یادداشت

وحید حاجی‌پور

به مدیران نفت جفا نکنیم

پرونده کرسنت در حال نزدیک شدن به روزهای تعیین‌کننده و نهایی است. این قرارداد که از سال ۱۳۸۱ تا به امروز میان سه دولت دست به دست شده هنوز به فرجام نرسیده و هر دولت نیز بنا به روشی که در این پرونده در پیش گرفته است، بی‌نتیجه ماندن را به عوامل و برخی دولتمردان نسبت می‌دهد. مهم‌ترین موضوعی که درباره کرسنت مطرح است موضوع فساد است. اسناد نشان می‌دهد وقوع فساد و ارتشا در این پرونده حتمی است و حتی وزیر نفت هم این واقعیت را تأیید می‌کند، هرچند در حاشیه. موضوع فساد برای کسانی که روی این قرارداد احاطه کافی دارند واضح و مبرهن است و قوه قضائیه هم در این باره احکامی را صادر کرده است. گرچه این احکام تا به امروز اعلام نشده است ولی همین موضوع موجب بروز تهمت‌هایی به برخی مسئولان سابق و فعلی شرکت ملی نفت شده است.

در این پرونده نام مدیرانی مانند سیدمهدی میرمعزی، رکن‌الدین جوادی، حسین کاظم‌پور اردبیلی، علی کاردر و... شنیده شده است که در آن ایام عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت بودند و بدون تردید باید درباره قرارداد کرسنت پاسخگو باشند ولی آیا این پاسخگویی به معنای حضور این افراد در فسادهای رخ داده در این پرونده است؟!

بدون تردید نمی‌توان پذیرفت که هر یک از این مدیران در فساد رخ داده مشارکت داشته باشند و براساس رویه وزارت نفت در اواخر دهه ۷۰ شمسی به تصمیم فروش گاز به کرسنت رأی مثبت دادند، هرچند برخی از این افراد ابتدا مخالف سرسخت این کار بودند ولی با توجه به مباحثی که در هیئت مدیره شرکت ملی نفت انجام شده، به امضای قرارداد با کرسنت رضایت دادند. فروش گاز به کرسنت یک «تصمیم مدیریتی» بود ولی حواشی به‌وجود آمده در این قرارداد به‌جای آنکه به اصلاح و محاکمه افراد مؤثر در فساد رخ داده سوق پیدا کند، به مخدوش کردن نام مدیرانی انجامید که حالا اخذ تصمیم را در صنعت نفت به یک ریسک بزرگ تبدیل کرده است.

گرچه نقدهای بسیاری به قرارداد کرسنت وارد است و نمی‌توان بر تصمیم آن روزها صحه گذاشت ولی این به معنای آن نیست که مدیران وقت و چهره‌های نام‌آشنای نفت مرتکب خطایی با چاشنی فساد شده‌اند. متأسفانه عدم‌شفافیت فضای حاکم بر فساد کرسنت و «بازی فرمولی» که برای آن انجام شده است، زمینه‌ساز تهمت‌ها و دروغ‌هایی شد که نه با اخلاق اسلامی سازگار است و نه به سود کشور است. کسانی که اعضای هیئت مدیره آن روزهای شرکت ملی نفت را می‌شناسند به‌خوبی می‌دانند چنین انگ‌هایی بر پرونده کاری آنها نمی‌چسبد زیرا هر یک سوابق روشن و غیرقابل انکاری در اقتصاد ایران دارند. دیدگاه‌های مختلفی درباره کرسنت وجود دارد که یکی از همین دیدگاه‌ها کرسنت را به ضرر کشور می‌داند اما آیا این دیدگاه به دنبال مفسد خواندن مدیران کشور است؟

این رسانه خود یکی از منتقدان اصلی قرارداد کرسنت است ولی اینکه بخواهیم مدیران وقت آن دوره را «فاسد» و «رشوه‌گیر» بنامیم جفا در حق کسانی است که فقط یک تصمیم مدیریتی اخذ کردند و هیچ‌گونه نسبتی با حواشی کرسنت ندارند. اینکه چرا این تصمیم را اخذ کردند سؤال همه کسانی است که می‌خواهند به طور کارشناسانه به ریشه‌یابی کرسنت بپردازند ولی مطرح کردن این سؤالات به هیچ عنوان ارتباطی به پاکدستی مدیرانی ندارد که قربانی این قرارداد جنجالی شده‌اند.

به عبارتی ساده‌تر، باید میان پرسشگری و تهمت‌زنی تمییز قائل شد و بر این اساس درباره کرسنت موضوعات را مطرح کرد و نه آنکه برای رسیدن به اهداف جناحی، مسائلی را مطرح کرد که به سود کشور نیست. بدون تردید وزیر نفت و مدیران وقت باید نسبت به ابهامات و عملکرد خود در این پرونده شفاف‌سازی کرده و مسائل موجود را باز کنند؛ خواسته‌ای که سال‌هاست مورد طلب منتقدان است، باز شدن چنین فضایی ولو در محیطی بسته و محرمانه می‌تواند حقایق را آشکار سازد ولی باید قبول کنیم بستن افترا به مدیرانی که نقشی در فساد رخ داده ندارند، مصداق بارز خسرالدنیا و الاخره است.

همینگونه قضاوت‌های سطحی هم در پرونده بابک زنجانی رخ داد؛ جایی که تعدادی از مدیران نفت به عنوان مقصر شناخته شدند در حالی که این مدیران به دنبال برطرف کردن محدودیت‌ها و نیازهای کشور بودند اما با این وجود، همه بلایا بر سر آنها فرود آمد. در هر دو پرونده اما شاهد آنیم که حجم وسیعی از ناصواب‌گویی‌ها به رسانه‌ها و محافل جاری می‌شود، در حالی که ماجرا چیز دیگری است و از آنجا که این پرونده‌ها تبدیل به یک ابزار در دست دو جناح مقابل هم شده است، این حواشی بر متن غلبه کرده‌اند. جدای از سوخت شدن منافع ملی، ظلم بزرگی که به تعدادی از چهره‌های نفتی وارد شده است با هیچ معیار انسانی، اسلامی و اخلاقی قابل پذیرش نیست.

کرسنت ماحصل یک تصمیم بود که فساد رخ داده در آن بیشتر از سایر موارد بولد شده است، در شرایطی که این پرونده ابعاد مهم‌تر و بزرگ‌تری دارد که باید از سوی مسئولان دولت‌های هشتم تا یازدهم شفاف شود و به نقدهای وارده بر آن پاسخ داد. باز هم تأکید می‌شود این پرسش و پاسخ‌ها هیچ‌گاه به معنای فاسد بودن چهره‌های نفتی نیست و از نظر نگارنده این افراد تنها باید به دلایل موافقت خود با امضای این قرارداد بپردازند. به‌طور قطع اگر تا به امروز فسادی از سوی این افراد ثابت شده بود نهادهای نظارتی به تأیید صلاحیت آنها برای ادامه کار در همان دولت گذشته و البته دولت فعلی راضی نمی‌شدند. همه این افراد در دولت‌های نهم و دهم صاحب منصب بودند و امروز هم به کار مشغول هستند که نشان می‌دهد نهادهای بازرسی و نظارتی اعتقادی به فعالیت آنها در بازی فساد کرسنت ندارند. تنها مطالبه از مدیرانی که به امضای قرارداد با کرسنت چراغ سبز نشان داده‌اند تنها این می‌تواند باشد که چرا و با چه استدلالی به امضای این قرارداد رأی مثبت داده‌اند و بس. «پل زدن» میان فساد و مدیران نفتی بدترین قضاوتی است که می‌توان شاهدش بود و امید است قوه قضائیه نیز برای یکبار هم که شده، توضیحاتی را در این‌باره ارائه دهد.

گزیده خبر

قائم مقام وزیر صنعت خبر داد

ثبت‌نام ۹ هزار متقاضی تسهیلات ۳۰ هزار میلیاردی رونق صنایع

قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: تاکنون ۹ هزار و ۲۰۰ نفر برای استفاده از تسهیلات ۳۰هزار میلیارد تومانی رونق صنایع ثبت‌نام کرده‌اند.

رضا رحمانی در گفت‌وگو با فارس، در مورد وضعیت ثبت‌نام صنعتگران برای پرداخت تسهیلات ۳۰ هزار میلیارد تومان رونق صنایع، اظهار داشت: از بین ۹ هزار و ۲۰۰ نفری که برای دریافت تسهیلات ثبت‌نام کرده‌اند، حدود هزار مورد در کارگروه‌ها بررسی و به سیستم بانکی معرفی شده‌اند. وی ادامه داد: کار بررسی بقیه تقاضاها نیز در روزهای آینده انجام خواهد شد.

پرداخت تسهیلات ۳۰ هزار میلیارد تومانی برای ایجاد رونق در بخش صنعت مصوب شده است.

گزارش یک

مهران ابراهیمیان

گزارش «جوان» از پدیده واردات برای گرانفروشی

پدیده نادر افزایش واردات به قصد گرانفروشی!

چرا برنامه‌ریزی‌های دولتی به جای واردات کالاهای سرمایه‌ای منجر به افزایش واردات کالاهای مصرفی شده که درآمد تعرفه‌ای آنها بالاست؟

بعد از تأخیر چند ماهه در اعلام آمار واردات و صادرات از سوی گمرک، چکیده آمار تجارت خارجی کشور در چهار ماه ابتدایی سال ۹۶ منتشر شد که نشان می‌دهد چگونه تبعات لزوم افزایش نرخ ارز تراز تجاری کشور را منفی کرد.

تقریباً سال پیش بود که تمام رسانه‌های همسوی دولت از منفی شدن تراز تجاری بعد از ۳۵ سال گفتند و نوشتند دولت کاری بزرگ انجام داده است. اما پیش‌بینی‌های روزنامه «جوان» درست از آب درآمد و این روند با افزایش درآمدها و زمزمه‌های افزایش نرخ ارز متوقف و تراز تجاری منفی شد. کسانی که در ماه‌های پایانی سال گذشته به جای تک‌نرخی کردن ارز به دنبال افزایش نرخ ارز بودند و دائم از طریق رسانه‌هایشان از نقش مؤثر افزایش نرخ ارز در تولید سخن می‌گفتند، ظاهراً به اهداف خود در آینده‌ای نزدیک خواهند رسید زیرا با افزایش حجم واردات و حرکت آرام افزایش نرخ ارز بهانه برای گران‌فروشی نیز مهیا شده است، به عنوان مثال همزمان با واردات بیش از یک میلیارد دلار (در حدود ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان) خودرو گرانی خودروهای وارداتی نیز کلید زده شده است. به گفته شیوا رئیس شورای رقابت خودروهای خارجی تا ۲۰ درصد گران شده‌اند در حالی که واردات خودروهای خارجی به شکل قابل توجهی افزایش یافته است.

■ واردات یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون دلار خودرو

نگاهی به آمار گمرک نشان می‌دهد براساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران در چهار ماهه نخست سال جاری بیش از ۲۶ هزار دستگاه خودرو به کشور وارد شده است. در آمار مقدماتی چهار ماهه نخست سال ۱۳۹۶ گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد در این مدت ۲۶ هزار و ۶۶۶ دستگاه خودروی سواری به ارزش ۷۵۲ میلیون و ۶۸۹ هزار و ۵۳ دلار به کشور وارد شده است و همچنین ارزش کل خودرو و قطعات وارد شده به ایران از کشورهای مختلف در این مدت رقمی برابر یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون دلار بوده که چیزی حدود ۳ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان است.

همچنین دومین آمار واردات به برنج با افزایش ۱۰۰ درصدی نسبت به سال گذشته رخ داده که لابد این افزایش تقاضا خود نیز مانند چند سال پیش بر قیمت جهانی برنج هم اثرگذار بوده و آن را گران کرده است.

■ واردات برنج دو برابر شد

همچنین براساس آمارهای تجارت خارجی کشور، مقایسه واردات برنج طی چهار ماه نخست دو سال گذشته نشان می‌دهد به لحاظ ارزی و وزنی واردات این محصول به کشور دو برابر شده است. در ازای واردات ۶۴۵ هزار تن از این محصول حدود ۶۰۰ میلیون دلار ارز از کشور خارج شده است. این در حالی است که در چهار ماهه نخست سال گذشته، حدود ۵۶۲ هزار تن از این محصول به ارزش ۴۷۵ میلیون دلار به کشور وارد شده بود و تا تیرماه سال ۹۴ حدود ۲۹۱ تن برنج نیمه یا کامل سفید شده به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار وارد کشور شده بود.

گفتنی است میزان واردات کالا و محصولات به کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته با افزایش همراه بوده است، به طوری که در سال ۹۵ در مدت ذکر شده ۹/۹۵۸ هزار تن کالا وارد کشور شده و در سال جاری این رقم به ۱۱/۳۰۰ هزار تن رسیده است.

با این تفاسیر حدود ۱/۳۴۲ هزار تن کالا بیشتر از سال گذشته از مبادی قانونی وارد کشور شده است که این روال صعودی واردات را در سال جاری نشان می‌دهد.

تعرفه بالای دولتی همراه با ارزش افزوده برای این کالا می‌تواند درآمد خوبی را برای دولت به ارمغان آورد اما در فصل پیک برداشت می‌تواند به عنوان یک سیاست غلط در کارنامه دولت ثبت شود.

■ افزایش واردات کالاهایی که دولت در آن سود می‌برد!

نکته قابل تأمل در لیست واردات برنامه‌ریزی‌های غلط دولتی (عمدی یا سهوی) به گونه‌ای بوده است که به جای واردت کالاهای سرمایه‌ای منجر به افزایش واردات کالاهای مصرفی شده که درآمد تعرفه‌ای آنها بالاست. همان‌طور که در آمار منتشره گمرک آمده بیشترین سهم واردات به کالاهایی مانند خودرو، برنج، خوراک دام، ذرت و سویاست که یا دولت مستقیماً در واردات آنها دخالت دارد یا اینکه از واردات کالاهای عمده سود بالایی نصیبش می‌شود.

نکته دیگر، گرانی کالاهایی است که در چهار ماهه اول امسال وارد شده که می‌توان با توجه به وضعیت تورم جهانی چنین استنباط کرد که کالاهای وارداتی به نوعی قیمت بالاتری از کالاهای وارداتی سال گذشته دارند. این آمار را می‌توان به راحتی از میزان واردات خودروها و قیمت هر تن کالاهای وارداتی استنباط و استخراج کرد.

در چهار ماهه نخست سال ۱۳۹۶، میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی کشور (به استثنای نفت خام، نفت کوره و نفت سفید و همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی) بالغ بر ۳۷/۶۳۷ هزار تن و به ارزش ۱۳/۴۵۹ میلیون دلار است. این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، کاهشی ۱۱/۴۹ درصدی در وزن و ۹/۵۴ درصدی در ارزش دلاری داشته است.

همچنین میزان واردات کشور در این مدت، با افزایشی ۱۳/۴۸ درصدی در وزن و ۲۳/۹۷ درصدی در ارزش دلاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، به ارقام ۱۱/۳۰۰ هزار تن و ۱۵/۸۱۳ میلیون دلار رسیده است.

گفتنی است هر تن کالا با متوسط قیمت ۳۵۸ دلار صادر شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲/۲۹ درصد افزایش داشته است. اما متوسط قیمت هر تن کالای وارداتی هزار و ۳۹۹ دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۹/۲۱ درصد در ارزش دلاری افزایش داشته است که این موضوع نیز علاوه بر رویکرد واردات کالاهای لوکس واردات مواد خام یا با حداقل فرآوری کالاهای صادراتی را عیان می‌کند زیرا ارزش کالاهای صادراتی تقریباً ربع (۳/۹ برابر) ارزش کالاهای وارداتی شده است!

گزارش ۲

هادی غلامحسینی

اقتصاددان‌ها و کارشناسان مستقل بر ورود مسکن به بازار سرمایه تأکید دارند

تخلیه حباب قیمتی مسکن روی تابلوی بورس

مدیر عامل بورس کالا: مشکل مسکن روی تابلوی بورس کالا حل می‌شود

اگر تنها مزیت ورود مسکن به بازار سرمایه به طور مشخص بورس کالا شفافیت این بخش فوق‌العاده غیرشفاف باشد، بهتر است مسکن وارد بازار سرمایه شود، این در حالی است که هم‌اکنون به دلیل بیماری هلندی در اقتصاد ایران و سفته‌بازی و دلال‌بازی‌های چندده‌ساله در این بخش، حوزه زمین و ساختمان در ایران شاهد قیمت‌های کاذبی است که برخی از کارشناسان انتشار اطلاعات نهایی و واقعی بخش مسکن را با نزول تا ۵۰ درصدی میانگین قیمت‌ها در این بازار برابر می‌دانند.

به گزارش «جوان»، ساختار اقتصاد ایران از زمان پیدایش نفت در کشور کم‌کم با بیماری هلندی همراه شد که عارضه این بیماری به دلیل واردات‌ناپذیری مسکن و زمین به شکل سینوسی در بازه‌های زمانی چند ساله خود را نشان می‌داد، بدین شکل که در زمان رشد درآمدهای نفتی در اقتصاد و تزریق این درآمدها به اقتصاد واردات کالا برای کنترل بازارها شدت می‌گرفت و چون زمین و ساختمان واردات ناپذیر بود به همین دلیل هر سه تا چهار سال یکبار مسکن با رشد قیمت‌ها همراه می‌شد.

■ سوداگری چند ۱۰ ساله در بخش زمین و ساختمان

اثرگذاری بیماری هلندی در بخش مسکن و شکل‌گیری رانت‌های اطلاعاتی در این بخش و ورود پول‌های کثیف و تمیز در این حوزه این بخش را طی بیش از نیم قرن اخیر با سفته‌بازی و دلال‌بازی شدید مواجه کرد و این شرایط تا جایی در بخش زمین و ساختمان تکرار شده است که قیمت‌ها به هیچ عنوان از منطق و یک ساختار نظام‌مند برخوردار نیست و هم‌اکنون بخش زمین و ساختمان برای میلیون‌ها مستأجر و جوانانی که می‌خواهند تشکیل زندگی دهند و نیاز به سر پناه دارند به یک چالش اساسی تبدیل شده است و بدون اغراق وضعیت مسکن در ایران عده‌ای را بسیار ثروتمند و عده‌ای را فقیر کرده است.

■ مقاومت یک جریان سرمایه‌دار در برابر شفافیت بخش مسکن

حال مقاومت در برابر انتشار اطلاعات واقعی و حقیقی بخش زمین و ساختمان در ایران موجب شده است عده زیادی از اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی مستقل که به دلیل عدم‌وابستگی اظهارات کارشناسی نظری و دقیقی را بیان می‌کنند، خواستار ورود مسکن به بازار سرمایه باشند تا از این رهگذر اقتصاد ایران از رانت اطلاعاتی بخش زمین و ساختمان و دردسرهایی که این رانت در چند ده سال اخیر برای جامعه ایرانی ایجاد کرده است رهایی یابد و در سال‌های آتی بتوان براساس یک اطلاعات شفاف هم بهای زمین و ساختمان را به طور دقیق و منصفانه کشف قیمت کرد و هم اینکه مالیات‌ستانی در این حوزه عدالت مالیاتی و جدایی بودجه دولت از نفت را به ارمغان آورد.

مدیرعامل بورس کالا از تعریف شاخص مسکن و امکان ایجاد معامله اوراق مسکن خبر داد و گفت: بخشی از مشکل مردم در خانه‌دار شدن با این روش بورس کالا حل می‌شود.

در همین رابطه حامد سلطانی‌نژاد در گفت‌وگو با فارس از تلاش برای تعریف شاخص مسکن و ایجاد امکان معاملات اوراق محور این کالای مصرفی در تالار نقره‌ای خبر داد و گفت: برخورداری از بازیگران بسیار از جمله ویژگی‌های خوشایند بازار مسکن و مستغلات است.

وی گفت: عموم مردم می‌توانند مصرف‌کننده، سازنده مسکن یا سرمایه‌گذار مسکن باشند، اما گروه همیشه در صحنه‌ای تحت عنوان بنگاه‌های مشاور املاک وجود دارند که همواره یا در مورد مسکن صحبت می‌کنند یا در مورد مباحث مرتبط با مسکن. به عبارتی عامیانه‌تر باید گفت کف بازاری‌های حوزه مسکن تلاش می‌کنند بازاری راه بیفتد تا بتوانند در بنگاه معاملات مسکن تحلیلی از شرایط موجود را داشته باشند.

مدیر عامل بورس کالا با اشاره به پیشنهاد خود به اتحادیه مشاوران املاک به منظور استفاده از داده‌های تاریخی برای تعریف شاخص مسکن در بورس گفت: می‌توان با ارائه دسترسی به سامانه معاملات و یک مانیتور به مشاوران املاک زمینه خرید و فروش مسکن یا اوراق بهادار مبتنی بر مسکن را فراهم کرد.

به گفته وی، اگر می‌خواهیم سبدی از اوراق بهادار بر روی مسکن تعریف کنیم که تبدیل به سبد همگن مسکن شود، می‌توان با کمک اتحادیه انبوه‌سازان و مشاوران مسکن آن را ایجاد کرد. از سویی دیگر می‌توان معاملاتی را از طریق سلف موازی مسکن یا اوراق بهادار مسکن در نظر گرفت و امکان پیش خرید کردن مسکن را فراهم آورد.

وی افزود: مدل دیگر در این زمینه تعریف یکسری پروژه‌های انبوه‌سازی در چارچوب معاملات مالی همزمان با ارائه دسترسی به مشاوران املاک در سامانه معاملات است که می‌تواند زمینه پیش‌فروش ساختمان‌های نیمه‌ساز را فراهم کند، از سویی دیگر پول مردم نیز به گردش درمی‌آید، بدون اینکه تورمی ایجاد کند.

این مقام مسئول یادآور شد: انجام این معاملات در بورس کالا اگر چه نمی‌تواند رکود را از بین ببرد، اما به دلیل وجود نیروی انسانی انبوه در کشور به عنوان سرمایه اصلی و علاقه‌مند به حوزه مسکن، بازاری را می‌تواند ایجاد کند که تقارن اطلاعاتی در آن وجود داشته باشد.

به گفته وی، شاخصی بر مبنای معامله یک متر مربع منزل مسکونی در منطقه متوسط تهران می‌تواند برای اشخاصی که علاقه‌مند به خرید مسکن هستند تولیدکننده‌هایی را فراهم کند که در ازای دریافت پول از آنها اقدام به ارائه مسکن به متقاضیان کنند. در عین حال واسط‌های مالی از جمله صندوق‌های سرمایه‌گذاری زمین و ساختمان نیز در این بین می‌توانند وجود داشته باشند.

وی ادامه داد: در حال حاضر با تأمین سرمایه مسکن رایزنی شده و مدلی که به جمع‌بندی رسیده فعلاً انتشار اوراق سلف موازی مسکن و اوراق مشارکت مسکن است، به این ترتیب که یکسری واحدهای سرمایه‌گذاری از یک پروژه خریداری می‌شود و وقتی معادل تعداد یونیت‌ها به یک واحد مسکونی رسید، دارنده واحدهای سرمایه‌گذاری می‌تواند مسکن خود را تحویل بگیرد.

سلطانی‌نژاد با اشاره به ویژگی‌های بازار مالی گفت: خاصیت بازار مالی بزرگ‌تر شدن و برخورداری از اهرم مالی است که خروجی آن افزایش تعداد بازیگران بازار است. وزارت راه و شهرسازی، دانشگاهیان، انبوه‌سازان و مشاوران املاک باید نظرات خود را در این زمینه ارائه دهند تا موضوع فروش متری مسکن از طریق یونیت‌ها انجام شود.

خبر

رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران خبر داد

صدور قرار وثیقه ۲ میلیارد تومانی برای رئیس و معاونان شعب یکی از بانک‌ها

رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران از قرار وثیقه ۲ میلیارد تومانی برای چهار نفر از معاونان شعب یکی از بانک‌ها در خصوص موضوع سپرده ۴۰ میلیارد تومانی خبر داد و گفت: از برخی از اعضای هیئت مدیره دوره ششم سازمان نظام مهندسی شکایت عام مطرح کرده‌ایم.

مدیریت وجوهی که در اختیار مجموعه‌های مختلف است گاهی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، بدین طریق که با سپرده‌گذاری در بانک‌ها ما به ازای آن وام سنگینی دریافت می‌شود که این امر یک رانت برای مجموعه‌های دولتی و وابسته به دولت و گاه عمومی به شمار می‌رود و اخیراً اینگونه تخلفات در حال اشاعه و مسئله‌ساز شدن است.

حسین قربانخانی در گفت‌وگو با فارس در خصوص آخرین وضعیت تخلفات مطرح شده هیئت مدیره دوره ششم سازمان نظام مهندسی برای سپرده‌گذاری ۴۰ میلیارد تومانی در بانک گفت: بحث اختلاس درباره ۴۰ میلیارد تومانی که در دوره ششم هیئت مدیره نظام مهندسی سپرده‌گذاری شد، دقیق نیست چراکه اختلاس در موضوعات دولتی می‌تواند رخ دهد، بنابراین در بخش خصوصی می‌تواند خیانت در امانت نامیده شود. وی افزود: خیانت در امانت هم چند شرط دارد که در اینجا اصلاً وجود ندارد، فردی در هیئت مدیره دوره ششم نظام مهندسی تهران اعلام کرد که اگر پول این سازمان را در بانک سپرده‌گذاری کنید، این بانک به شرکت‌هایی که در بافت فرسوده واحد مسکونی احداث کنند وام می‌دهد، بدین ترتیب هم برای مهندسان ایجاد اشتغال می‌شود و هم به نفع مردم است.

قربانخانی اضافه کرد: هیئت‌مدیره نظام مهندسی ساختمان تهران هم به نیت خیرخواهانه ۴۰ میلیارد تومان پول را در بانک سپرده‌گذاری کرد اما زمانی که این مبلغ را می‌خواستند سپرده‌گذاری کنند، شیطنتی انجام شد و یک فرم سفید امضا در وثیقه این پول را هم گرفتند و شرکت «م» «ا» آمد روی سپرده‌های نظام مهندسی ساختمان وام گرفت.

رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران ادامه داد: سازمان نظام مهندسی اقدام حقوقی در این خصوص علیه بانک کرده است، چون بانک نمی‌توانسته این کار را انجام دهد و قاضی هم حکم داده که نمی‌توانسته‌اند سفید امضا بگیرند و سازمان بدون داشتن علم به این موضوع این کار را کرده است، البته سازمان نظام مهندسی هم شاید در این خصوص خطایی انجام داده باشد اما به هر حال دادگاه حکم داده تا تعیین تکلیف پرونده، این ۴۰ میلیارد تومان سر جای خود بماند و ماهانه هم سود ۲۰ درصدی خود را دریافت کنیم.

وی ادامه داد: این پول با مابقی پول‌های ما که در بانک‌هاست تفاوتی ندارد. فقط نمی‌توانیم آن را جابه‌جا کنیم، اما سود آن را دریافت می‌کنیم. بانک شهر هم اعلام می‌کند تا زمانی که آن شرکت («م» «ا») که وام گرفته بازپرداخت را به اتمام نرساند، ۴۰ میلیارد تومان را بانک شهر نزد خود نگه خواهد داشت. به گفته قربانخانی، یکی از مشکلاتی که وجود دارد این است که ما هنوز نتوانسته‌ایم از بانک آمار بگیریم شرکت مزبور چه میزان وام از بانک شهر گرفته است. وی ادامه داد: دادگاه برای رئیس و معاون قبلی و دوره بعد یکی از شعب بانک قرار وثیقه ۲ میلیارد تومانی صادر و بانک شهر این پول را نقداً واریز کرده است و این افراد آزاد هستند. قربانخانی تصریح کرد: تعیین تکلیف این پرونده در پروسه قضایی قرار دارد، اما پول ما وجود دارد و ماهانه هم سود آن را دریافت می‌کنیم، ما کار را به این نقطه رساندیم و دادگاه نامه زده است به بانک که حق ندارید سپرده را به نفع خود ضبط کنید.

یک اقتصاددان:

ادغام بانک‌ها و مؤسسات پایان مخاطرات بخش پولی اقتصاد نیست

یک کارشناس اقتصادی با بیان اینکه برای ادغام مؤسسات اعتباری باید قوانین مشخصی تدوین شود و بانک مرکزی اختیارات کافی داشته باشد، به چالش‌های ادغام مؤسسات اعتباری و بانک‌های خصوصی پرداخت.

مرتضی بکی در گفت‌وگو با فارس، با بیان اینکه در هر کشوری در شرایط عادی یا بحرانی از روش ادغام استفاده می‌شود، اظهارداشت: ممکن است بنگاه دچار مشکل شود و در معرض ورشکستگی قرار گیرد و در این شرایط بنگاه‌های دیگری که از وضعیت بهتری برخوردار هستند، شرکت‌های دارای بحران را پذیرش کرده و فرآیند ادغام انجام می‌شود. بکی ادامه داد: یکی از تجربه‌های ادغام در سال‌های اخیر ادغام تعاونی‌های اعتبار بود که بعضی از آنها با سرمایه ۷۵ میلیارد تومان ثبت شده بودند، اما مشکلاتی که داشتند را به مؤسسات جدید ادغام شده منتقل کردند و در واقع مشکل بزرگ‌تر ایجاد شد. اما در صورتی که یک مؤسسه مشکل‌دار در یک نهاد فعال ادغام شود، آن نهاد فعال بزرگ می‌تواند مؤسسه مشکل‌دار را در خود هضم کند و به فعالیت خود ادامه بدهد.

این اقتصاددان با تأکید بر اینکه آنچه مورد نیاز است قانونی برای ادغام بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری است و قانون عملیات بانکی بدون ربا فقط به حوزه قراردادهای بانکی و مباحث فقهی در حوزه بانک توجه داشت و در حوزه ورشکستگی و ادغام وارد نشد، البته در آن زمان ضرورتی برای ورود به این حوزه احساس نمی‌شد.

این اقتصاددان یکی از پیش‌نیازهای ادغام را هماهنگی و همراهی قوه‌قضائیه با بانک مرکزی دانست و گفت: در فرآیند انحلال و ادغام اگر به قانون پولی و بانکی هم توجه کنیم، علی‌القاعده بانک مرکزی به عنوان مرجع پولی باید لایحه‌ای را تنظیم و به دادگاه صالحه ارائه کند و دادگاه براساس آن حکم دهد که فرآیند چگونه باشد.

وی افزود: اگر دادگاه رأی به انحلال دهد، باید هیئت تسویه شکل بگیرد و آن هیئت باید دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسه را رسیدگی کند، اما هنوز در کشور مؤسسات اعلام ورشکستگی نکرده‌اند و این موضوع به‌درستی اعلام نشده است، زیرا قوانین آن به‌درستی تنظیم نشده است.

وی به چالش‌های ادغام مؤسسات مشکل‌دار اشاره کرد و گفت: دارایی‌های سمی، ساختار قبیله‌ای و مالکیت‌های متفاوت و ساختار این مجموعه‌ها برای ادغام چالشی بزرگ است این در حالی است که بانک‌های کوچک راحت‌تر شرایط جدید بعد از ادغام را می‌پذیرند.

بکی اظهار داشت: در خصوص بانک‌ها و مؤسسات وابسته به نهادهای نظامی به نظر می‌رسد این مؤسسات و بانک‌ها زمینه بیشتری برای ادغام دارند. باید به سرعت این بانک‌ها پذیره‌نویسی شوند و ناظر باید آنها را ملزم به عرضه سهام در بورس و پذیره‌نویسی کند و همچنین ساختار حاکمیت شرکتی بر آنها حاکم شود.

وی افزود: در این شرایط می‌توانیم شاهد این باشیم که بانک‌های نظامی که بعضاً خوب عمل می‌کنند و قواعد و استانداردها را رعایت می‌کنند، در کنار یکدیگر قرار گیرند و به یک بانک تبدیل شوند.

بکی با بیان اینکه بانک مرکزی برای ادغام باید از قوه‌قضائیه و نیروی انتظامی کمک بگیرد، افزود: برخی مؤسسات اعتباری حجم زیادی از دارایی‌های مسموم را در ترازنامه خود ثبت کردند و اگر این مؤسسات کنار هم قرار بگیرند و بر اساس حاکمیت شرکتی با یکدیگر تعامل و همچنین نسبت به سم‌زدایی از دارایی‌های خود مبادرت و به‌تدریج مشکلات سپرده‌گذاران را حل کنند، نیازمند بازه زمانی حداقل یکساله است. وی افزود: اگر سهامداران این فرآیند را رعایت نکردند، باید قوه‌قضائیه این اجازه را به بانک مرکزی بدهد که هیئتی را برای نظارت بر آنها تشکیل دهد تا فرآیند تبدیل دارایی‌ها از طریق فرآیندهای قانونی انجام شود، در غیر این صورت مشکلات این مؤسسات تنها کنار هم قرار دادن مشکلات خواهد بود.